

Original Article

Conscription: Rule of Law and Citizenship Rights

Mohammad Sharif-Shahi^{1*}, Qhodratollah Nowrouzi Baghkomeh², Mohsen Mohamadi Farsani³, Ameneh Dehshiri⁴

1. Assistant professor, Public Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. (Corresponding Author) Email: rasashahi@gmail.com

2. Assistant professor, Public Law, Law department, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

3. PhD Candidate in Public Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

4. PhD of Human Rights, Sant'Anna School of Advanced Studies, Pisa, Italy.

Received: 24 Feb 2018 Accepted: 12 Aug 2018

Abstract

Background and Aim: Given the role of rule of law in implantation of civil rights in different aspects of social life, this research would study pros and cons of mandatory military service.

Materials and Methods: This paper adopts an analytical interpretative approach to the functional system of law. It is looking after a brief notation on the theory of rule of law, seeking to answer the questions as to what the legitimacy of Iran's system of conscription and strengths and weaknesses of this system compared to the culture of rule of law in Iran are.

Findings: Inclusive nature of mandatory military service which covers all sons is an effective element in penetration of rule of law. Equal treatments whit all Iranian young man, regardless of their ethnic origins, social background, education and etc... has a constructive role in deeping the idea of citizen's equality under the law. Should bear in mind some wrong procedures can lead to violation of civil rights of soldier.

Conclusion: The complete implementation of law, emphasizing on this fact that soldier is a citizen along with education of rights and responsibilities, especially the constitution will to consolidation of soldier's civil rights and the rights in society in general.

Keywords: Rule of Law; Military Service; Citizenship; Equality; Legal Certainty

Please cite this article as: Sharif-Shahi M, Nowrouzi Baghkomeh Q, Mohamadi Farsani M, Dehshiri A. Conscription: Rule of Law and Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 95-107.

خدمت سربازی، حاکمیت قانون و حقوق شهروندی

محمد شریف‌شاهی^{۱*}، قدرت‌الله نوروزی^۲، محسن محمدی فارسانی^۳، آمنه دهشیری^۴

۱. استادیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: rasashahi@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۴. دکتری حقوق بشر، دانشگاه مطالعات عالی سنت آنا، پیزا، ایتالیا.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: نظر به نقش حاکمیت قانون در تحقق حقوق شهروندی در مقولات مختلف زیست اجتماعی، این تحقیق با هدف آسیب‌شناسی خدمت سربازی از این منظر انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این مقاله با روش تحلیلی و تفسیر همگرای قانون پس از اشاره اجمالی بر نظریه حاکمیت قانون، در پی پاسخ به این پرسش است که عناصر قانونمندی نظام سربازی در ایران کدام است؟ نقاط قوت و ضعف این نظام جهت تحقق حقوق شهروندی و حاکمیت قانون چیست؟

یافته‌ها: فراگیری خدمت سربازی نسبت به تمامی اولاد ذکور عاملی مؤثر در تعمیق حاکمیت قانون است. هم‌ترازی و تساوی همه جوانان ایرانی فارغ از قومیت، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و...، عاملی مؤثر در تثبیت انگاره تساوی در برابر قانون برای همه شهروندان است، اگرچه پاره‌ای رویه‌های نادرست و زمینه‌های بحران را می‌تواند عامل نقض حقوق شهروندی سربازان گردد.

نتیجه‌گیری: اجرای بدون تنازل و تبعیض قانون، تأکید بر شهروندی سرباز و محوریت آموزش حقوق و تکالیف قانونی خاصه قانون اساسی، ضمن تقویت حقوق شهروندی سربازان، تثبیت این حقوق در جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حاکمیت قانون؛ سربازی؛ شهروندی؛ تساوی؛ قطعیت حقوقی

مقدمه

نیروهای نظامی و انتظامی به عنوان حافظان نظم، امنیت و قانون مشهورند. این شهرت آنچنان است که حضور نیروهای نظامی و انتظامی، تداعی‌کننده قانون است. خدمت سربازی از عناصر پایه‌ای این نیروها است. از این رو در این شهرت و تداعی نباید بی‌تأثیر باشد. این تداعی و شهرت افزون بر آنکه به کارکردهای نیروهای نظامی و انتظامی مربوط باشد، ریشه در علل تاریخی و نقش ارتش (در معنی عام و شامل نیروهای نظامی و انتظامی) در تشکیل دولت - ملت‌های مدرن دارد. از نظر گاه فلسفه سیاسی، مفهوم دولت مدرن دلالت بر تأسیس ساختاری یکپارچه از منظر جمعیت، سرزمین و قدرت سیاسی (حکومت) دارد. قدرت نظامی عامل تحکیم دولت مدرن و نگهدارنده حقوق حاکمیت آن در روابط بین‌الملل است (۱).

به عقیده برخی از جامعه‌شناسان سیاسی، تشکیل ارتش‌های مدرن دائمی، نقشی تعیین‌کننده در گذار رژیم‌های پادشاهی مطلقه (Absolute Regimes) به دولت‌های قانون اساسی‌گرا داشته است (۲). از منظر اینان، آنچه این گذار را سرعت بخشید و عامل محرک آن بود، تغییر ماهیت سرباز در ارتش‌های نوین بود. پایداری پادشاهی‌های مطلقه بر دو امر بنا نهاده شده بود؛ یکی نظام منظم مالیات ستانی و دیگری ارتش. تکلیف تأمین این امور بر دوش مردمی بود که رعایای پادشاه شمرده می‌شدند و به مناسبت این تکلیف حقی برایشان متصور نبود. سنگ زیرین قوای نظامی رعیت - سربازانی (Subject Soldier) بودند که به واسطه جانبازی برای پادشاه (و نه میهن) چیزی عایدشان نمی‌شد، لکن علی‌رغم، عدم شناسایی حقوق از جانب پادشاه برای این سربازان، دولت ناگزیر به تغییر نگرش در قبال رعیت - سربازان خود بود. «توانایی دولت‌ها در تأمین و تحکیم مبانی قدرت خود و از رهگذر آن دادن سامان داخلی و خارجی به امور خود، مستلزم توانایی در سازمان‌دهی قوه قهریه (ارتش، نیروی دریایی و سایر صورت‌های توانایی نظامی) و به کارگیری آن‌ها به هنگام نیاز بود» (۳).

رقابت فزاینده و دائمی دولت‌ها، تدارک دائمی نیروهای نظامی را طلب می‌کرد و این امر نیازمند گذار از سربازگیری

فصلی یا مزدوری به تشکیل ارتشی دائمی بود و تشکیل ارتش دائمی مستلزم شناسایی حقوق و مستمری‌هایی، هرچند اندک برای سربازان و عائله آنان بود. رقابت‌ها و جنگ‌های دائمی توان‌فرسا و پرهزینه بود و فرمانروایان برای پیروزی ناگزیر از چانه‌زدن و جلب حمایت رعایای خود بودند. فزونی شمار رعایا در امور نظامی و تدارکات آن سبب آن بود که آنان در مقابل تکالیف خود در مقابل پادشاه، حقوقی منصفانه و هم‌شان را مطالبه کنند (۳-۴). رعیت - سرباز می‌دید که بقا و ثبات دولت متکی به او است و از این رو منصفانه نبود که در دولتی که در تثبیت آن حضور داشته، محق نباشد، از این رو تلاش می‌کرد به شهروند - سرباز (Citizen Soldier) تبدیل شود. تبدیل به شهروند شدن مستلزم داشتن سهم در حکومت یا داشتن حق رأی بود. هم‌شان‌شدن حق و تکلیف در روابط میان دولت و اتباع، به معنی گذار از دولت آمرانه به دولت حقوقی قانونمدار است، زیرا که قانون متضمن حق و تکلیف به صورت توأمان است. نتیجه این که کشورهایی که سازمان نظامی بزرگ داشتند خود را در آستانه گذار به نظام‌های دموکراتیک قانون اساسی‌گرا (Constitutional) و استقرار حاکمیت قانون (Rule of law) یافتند (۳).

سؤال اساسی، این است که با وجود پیشینه تأثیر سربازی در گذار به حاکمیت قانون، آیا امروز و در جمهوری اسلامی ایران نیز، خدمت سربازی عاملی مؤثر در تثبیت و تداوم حاکمیت قانون است؟ خدمت سربازی تا چه میزان بر تقویت یا ضعف حقوق شهروندی مؤثر است؟

مواد و روش‌ها

در این مقاله پس از تعریف و تبیین نظریه حاکمیت قانون، نخست عناصر قانونمندی خدمت سربازی در ایران بررسی شده و پس از آن با رویکردی انتقادی - تحلیلی نقاط قوت و ضعف «خدمت وظیفه عمومی» در نظام حقوقی ایران را با روش تفسیر همگرا و کارکردی (تفسیری که در آن اجزا قانون و نظام حقوقی به عنوان یک هویت هدفدار و سازگار مورد توجه قرار می‌گیرد (۵)، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مورد پذیرش جامعه جهانی، یکی از ملاک‌های ارزیابی حکمرانی قرار گرفته است.

از منظر لغوی، حاکمیت به معنی سلطه و اقتدار است. در دولت مدرن، قانون ابزار حکمرانی است (۷) و حاکمیت قانون، یعنی تقید دولت به ابزار اعمال قدرت. به تعبیری دیگر مفهوم حاکمیت قانون در سودای مقیدکردن قلمرو اختیارات و صلاحیت صاحبان قدرت به قواعد و حدود از پیش تعیین شده است. این امر در دولت‌های قانون اساسی‌گرا (مشروطه) تحدید صلاحیت زمامداران با قواعد حقوقی از پیش تعریف شده توسط نمایندگان برخاسته از اراده ملی صورت می‌پذیرد (۸).

در نظریه حاکمیت قانون، قانون چهره‌ای دوگانه دارد؛ از یکسو، زمینه لازم را برای اقدامات دولت فراهم می‌سازد، یعنی لوازم و اختیارات ضروری برای مدیریت امور عمومی را در اختیار دولت قرار می‌دهد. از دیگر سوی، منبعی برای چارچوب بندی و محدودسازی اعمال آن به شمار می‌رود. در این نظام، نهادهای حکمران نمی‌توانند، بدون وجود صراحت قانونی، هیچ تکلیفی را بر شهروندان تحمیل کنند، در صورتی که بر خلاف این منطق به ایجاد تکلیف غیر قانونی بر شهروندان مبادرت ورزند، شهروندان از حق اعتراض برخوردار بوده و می‌توانند نزد مقامات صالح (اداری یا قضایی) ابطال، اصلاح یا عدم اجرای تصمیمات مذکور را درخواست کنند. بنابراین اندیشه حاکمیت قانون، در عمل منجر به برتری قانون بر فرآیند اداره امور در کشور است، یعنی نه تنها مقامات عمومی و کارگزاران کشوری و لشکری، ملزم به خودداری از ارتکاب اعمال مغایر با قانون هستند، بلکه بایستی اعمال خود را منطبق با موازین قانونی نمایند (۸).

حاکمیت قانون را می‌توان در دو سطح مورد توجه قرار داد: سطح شکلی (سازمان‌محور) و سطح ماهوی (آزادی‌محور یا حق بنیان). قابلیت اعمال قانون (بدون در نظر گرفتن محتوی آن) به نحو برابر و در مورد همگان، ایده اساسی حاکمیت قانون در مفهوم شکلی است. این امر خود منشأ ویژگی دیگری است که در سطح شکلی مد نظر است و آن ایجاد «قطعیت حقوقی» و متعاقب آن پیش‌بینی‌پذیر ساختن حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (۹). به قول هایک حاکمیت قانون

اتکای این تحقیق بر مبانی نظری، خصلتی بنیادی به آن می‌دهد که می‌تواند آن را در مطالعات ناظر بر خدمت سربازی قابل توجه کند. همچنین ادبیات انتقادی آن، قابلیت بهره‌گیری در سیاستگذاری و قانونگذاری‌های آتی در خصوص خدمت نظام وظیفه در ایران را فزونی می‌بخشد.

۱- حاکمیت قانون: مفهوم و اصول

در نظریه حاکمیت قانون پیش از هر چیز نیازمند تبیین مفهوم قانون هستیم. اگر در دولت‌های مطلقه قانون اراده بی‌چون و چرا پادشاه بوده است، چنانچه لویی پانزدهم می‌گفت: «قدرت قانونگذاری فقط به من تعلق دارد» (۳). در نظام‌های دموکراتیک، قانون برآیند اراده عمومی مردم است. ماده شش اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ تصریح می‌دارد: «قانون بیانگر اراده عام است. تمامی شهروندان، خواه به صورت شخصی و خواه از طریق نمایندگانشان حق مشارکت در قانونگذاری را دارند» (۶) که عموماً از طریق نمایندگان آن‌ها در مجالس قانونگذاری تجلی می‌یابد. به تعبیری صلاح مملکت را مردم، به زبان قانون بیان می‌کنند.

قانون به عنوان قواعد لازم‌الاجرا تعیین‌کننده مناسبات و روابط اجتماعی، مهم‌ترین مشخصه جوامع متمدن است. ضرورت وجود قانون برای جوامع انسانی چنان است که حکما، قانون بد را بهتر از بی‌قانونی برشمرده‌اند. با وجود این ضرورت گاه در جوامع وضعیتی به وجود می‌آید که علی‌رغم وجود قانون، عمل به قانون به صورت جزئی یا کلی متروک و منسوخ می‌شود تا آنجا که این مثل رواج می‌یابد که: «وضع قانون برای نقض آن است».

از سویی دیگر و از آنجا که در طول تاریخ بشری، خاصه قرن گذشته قوانین ظالمانه منشأ مصائب بسیاری برای نوع بشر از جمله پدیداری نظام فاشیستی در آلمان و وقوع جنگ جهانی دوم، بوده است، این سؤال مطرح شده است که غایت قانون چیست؟ و چه قاعده‌ای شایستگی وصف قانونیت را می‌یابد؟

در پاسخ به این سؤال، در تئوری‌های حقوق و سیاست، نظریه‌ای تحت عنوان «حاکمیت قانون» مطرح شده است و چنان این نظریه مقبولیت یافته که به عنوان یکی از ارزش‌های

خارج از ملاحظات فنی متضمن این معنی است که دولت توسط قوانین ثابت از پیش اعلام شده، قواعدی که امکان محاسبه معقولی از کاربرد اجبار توسط مقامات عمومی در شرایط معین است فراهم کند و بر اساس این دانش افراد بتوانند برای خود برنامه‌ریزی کنند (۱۰).

در سطح شکلی حاکمیت قانون متضمن وجود عناصر سه گانه زیر است:

۱-۱- **اندیشه محدودسازی قدرت:** به عبارتی هریک از نهادهای اقتدار فقط به اعمال صلاحیت‌های معین و تعریف شده خود می‌پردازند و اعمال این صلاحیت‌ها نیز باید در چارچوب پیش‌بینی‌شده صورت گیرد. به عبارتی بایستی در روابط خود با شهروندان از یک نظام حقوقی تبعیت کنند. نتیجه این‌که هنگامی که زمامداران از حدود اختیارات خود خارج شوند، شهروندان می‌توانند علیه آنان طرح شکایت کنند. با این رویکرد اعمال قدرت تبدیل به اعمال صلاحیت ایجادشده توسط قانون و مقید به آن می‌شود.

۱-۲- **ایجاد سلسله مراتب سازمانی و اداری در نهادهای حکمران:** این امر متضمن اعمال نظارت مافوق بر عملکرد مادیون است.

۱-۳- **نظارت قضایی و حق دادرسی:** این عنصر ضمانت اجرای دو عنصر پیش‌گفته است. بر این اساس تمامی افراد جامعه بایستی بدون هیچ قید و شرطی بتوانند، در صورت اقتضا و حتی علیه دولت به دادخواهی نزد یک قاضی مستقل بپردازند (۸).

در برداشت ماهوی، حاکمیت قانون فضیلت ویژه خاص یک نظام حقوقی و مستلزم رعایت اصول و آموزه‌هایی فراتر از قانونیت است (۹).

در سطح ماهوی حاکمیت قانون به مفهومی ویژه از روابط فرد و دولت اشاره دارد که در آن نه تنها دولت به موجب قانون صلاحیت اعمال اقتدار بر شهروندان را می‌یابد، بلکه خود قانون نیز محل توجه و تأمل بوده و بایستی ماهیتی خاص داشته باشد تا بتواند نظم حقوقی را بنا نهد. این ماهیت و محتوی قانون، اصل برتری حقوق و آزادی‌های فردی است. به تعبیری حکومت قانون در سطح ماهوی متضمن وجود قوانینی است

که در آن حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان تضمین شده باشد (۱۱).

«به طور خلاصه نظام حاکمیت قانون در چهار اصل زیر که مورد پذیرش جهانی است، بیان می‌شود:

۱- دولت و نهادهای نمایندگی و مقاماتش، در مقابل اشخاص و افراد به واسطه قانون پاسخگو هستند؛

۲- قانون بایستی شفاف، در دسترس عموم، با ثبات و توجیه‌پذیر، نسبت به همگان به نحو مساوی اجراپذیر و پاسدار حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد شامل امنیت و دارایی باشد؛

۳- فرآیندی که در آن قوانین تصویب، تجویز و اجرا می‌گردد، در دسترس، عادلانه و کارآمد باشد؛

۴- عدالت قانونی توسط نمایندگانی ذی‌صلاح، اخلاق‌مدار، مستقل و بی‌طرف که به تعداد کافی هستند، به موقع تضمین شود. آنان بایستی به اسناد و منابع به نحو مناسبی دسترسی داشته باشند و نمایانگر بافت اجتماعی باشند که به آن خدمت می‌کنند» (۱۲).

۲- عناصر قانونمندی خدمت سربازی در ایران

کشور ایران از سال ۱۳۸۵ شمسی و با امضای فرمان مشروطیت و تصویب قانون اساسی، مشخصاً در زمره دولت‌های پذیرنده نظریه حاکمیت قانون شد، اگرچه پس از آن تاریخ حکمرانی برابر قانون، همواره مطالبه‌ای ملی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمیت قانون بار دیگر محور توجه قرار می‌گیرد و بر اساس کلیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت متعهد به عمل بر اساس قانون می‌گردد. بر این اساس کلیه اعمال و روابط دولت، خاصه آنچه که در ارتباط با شهروندان است، بایستی بر اساس قانون و در محدوده ترسیم‌شده در قانون صورت پذیرد. یکی از مشخص‌ترین روابط دولت با شهروندان، مسأله خدمت وظیفه عمومی و آموزش‌های نظامی به افراد کشور است. از آنجا که حاکمیت قانون بر عموم روابط دولت و شهروندان اطلاق دارد، بنابراین ضرورتاً خدمت نظام وظیفه نیز بایستی در این محدوده ترسیم‌شده باشد. از این منظر می‌توان قانونمندی خدمت سربازی در ایران را به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱-۲- قانونی‌بودن امور نظامی و خدمت سربازی: ابتدای

امور نظامی و سربازگیری بر قانون یکی از شرایط تشکیل ارتش نوین در ایران بوده است. پیش از انقلاب مشروطیت، امور لشکری در ایران مبنی قانونی نداشت. پایه قدرت نظامی در دوره قاجار، قشونی وارداتی شامل نظامیان قزاق به فرماندهی افسران روسی، قشونی تحت تربیت هیات‌های نظامی ایتالیایی، فرانسوی و اتریشی (۱) و نیروهای نامنظم عشایری بود. سربازگیری نیز بر پایه سیستم «بنیچه» (بنیچه در اصل از زمان صفویه معمول شد و در آن زمان منظور جداول مالیاتی و چگونگی توزیع مالیات اصناف بود) که از قرن نوزدهم معمول شده بود. طبق آن هر ناحیه بایستی تعدادی سرباز بدهد و شمار سربازان بر اساس مقدار زمین زیر کشت تعیین می‌شد (۱۳)، اما در عمل به دلیل غلبه نظام ارباب - رعیتی، سربازان معمولاً از میان فرزندان رعایا و به اجبار توسط خوانین تعیین و به قشون فرستاده می‌شدند.

با تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در مهرماه ۱۲۸۶ امور قشونی و خدمت سربازی در ایران، مبنی قانونی می‌یابد. بنا بر تصریح اصل ۱۰۴ متمم قانون اساسی «ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می‌نماید، تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب به موجب قانون است».

مهم‌ترین تلاش‌ها برای ایجاد سازمان نوین ارتش بر مبنی قانون در اوایل دهه ۱۳۰۰ ش. صورت می‌پذیرد. در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ با تصویب «لایحه خدمت اجباری نظام وظیفه» در مجلس شورای ملی خدمت سربازی صورتی منظم و قانونی می‌گیرد، سپس برای تحکیم قانون خدمت سربازی، متمم و اصلاحیه‌هایی در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۷ از تصویب مجلس شورای ملی می‌گذرد (۱۳).

ابتدای امور نظامی به قانون در نظام جمهوری اسلامی بر پایه مبحث دوم فصل نهم قانون اساسی است. قانونی‌بودن (و نه اجباری‌بودن) خدمت سربازی در اصل ۱۵۱ قانون اساسی به شرح زیر تدارک دیده شده است: «به حکم آیه کریمه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهون به عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را

بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد».

در اجرای اصل ۱۵۱ قانون اساسی و برای تضمین قانونی بودن خدمت سربازی، قانون «خدمت وظیفه عمومی» مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹ و اصلاحات و الحاقات از جمله «قانون اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲، مبنای هنجاری و قانونی خدمت سربازی را فراهم می‌کنند.

۲-۲- سلسله مراتبی‌بودن امور نظامی و خدمت

سربازی: نظم و انضباط لازمه تشکیل هر سازمان است. ضرورت این امر در نیروهای مسلح بیش از هر جای دیگر محسوس می‌باشد. تقسیم کار، طبقه‌بندی وظایف، تنظیم ارتباطات شرط لازم سامان‌یافتن سازمان دفاعی کشور به شمار می‌آید (۱۴). برای وجود آمدن نظم و تضمین اجرای قانون از صدر تا ذیل یک سازمان، نظارت سلسله مراتبی، ابزاری کارآمد و ضروری است. رابطه فرماندهی و فرمانبری یا سلسله مراتب به صورت یک هرم تجسم می‌یابد که در آن هر مامور زیر نظر آموزش و فرماندهی ماموری دیگر انجام وظیفه می‌کند (۱۵). بر اساس بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی «فرماندهی کل نیروهای مسلح» بر عهده مقام رهبری است و بر این مبنی در رأس سلسله مراتب لشکری، مقام رهبری جای می‌گیرد. بر اساس بند «ه» ماده ۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷: «نیروهای مسلح باید به ایجاد انضباط معنوی برخاسته از اعتقاد و ایمان پرسنل، وضع مقررات منطقی و عادلانه و برقراری سیستم‌های تشویق و تنبیه زمینه اجرای کامل دستورات و مقررات را فراهم سازند.» همچنین ماده ۶ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح در بیان مصادیق انضباط در نیروهای مسلح تصریح می‌دارد: «التزام عملی به ولایت فقیه، آداب و سنن و احکام اسلامی و تبعیت از فرامین مقام معظم فرماندهی کل قوا، قوانین و مقررات و دستورات سلسله مراتب فرماندهان، روسا و مدیران.»

اعمال اصل سلسله مراتب در خدمت نظام وظیفه بر اساس فصل پنجم قانون خدمت وظیفه عمومی و ماده ۴۸ اصلاحی

۱۳۹۰/۸/۲۲ صورت می‌پذیرد، بر این اساس «کارکنان وظیفه بر اساس مدرک تحصیلی و وجود محل سازمانی پس از طی دوره آموزشی لازم» به یکی از درجات سربازی تا ستوان یکمی بسته به تحصیلات نائل می‌گردند. از آنجا که طبق فصل سوم، مواد ۲۲ و ۳۶ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، ملاک سلسله مراتب درجات نظامی است، بر اساس قانون درجات کارکنان وظیفه نیز همانند درجات نظامیان کادر و پیمانی، کارکردی مشابه در سلسله مراتب نظامی دارد.

۳-۲- نظارت قضایی بر امور نظامی و خدمت سربازی:

نظارت سلسله مراتبی، ساز و کار درونی تضمین اجرای قانون در یک سازمان است، اما افزون بر آن حرکت بر مدار قانون و جلوگیری از تجاوز به قانون آن چنان اهمیت دارد که نظام‌های حقوقی، نظارت درون سازمانی را کافی ندانسته و نظارتی برون سازمانی، به نام نظارت قضایی (Judicial Review) را تجویز می‌کنند. مهم‌ترین اهداف منظور در نظارت قضایی، عدم تجاوز مأمورین از حدود صلاحیت‌های قانونی، اطمینان از عدم سوء استفاده از قدرت، تضمین عدم مغایرت تصمیمات با قانون و حفظ حقوق استخدامی کارکنان بر مبنای قانون است (۱۶).

ساز و کار تجویز شده برای اعمال نظارت قضایی بر نیروهای مسلح جهت تضمین اجرای قانون و جلوگیری از سوء استفاده از آن، ایجاد دادستانی و دادگاه‌های نظامی به عنوان بخشی از قوه قضائیه به موجب اصل ۱۷۲ قانون اساسی است: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.»

همچنین نظارت قضایی از جهت تضمین حقوق استخدامی کارکنان نیروهای مسلح بر اساس بند ۳ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری بر عهده این دیوان است: «رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر

مستخدمان... اعم از کشوری و لشکری از حیث تضييع حقوق استخدامی» در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

در خصوص شمولیت اعمال صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی بر کارکنان وظیفه به عنوان اعضای نیروهای مسلح تردیدی نیست، اما در خصوص امکان اعمال نظارت قضایی دیوان عدالت اداری نسبت به حقوق استخدامی کارکنان وظیفه بایستی تصریح کرد که بر اساس مفاد قانون خدمت وظیفه عمومی، کارکنان وظیفه نیز شامل اطلاق مستخدمین نیروهای مسلح می‌گردند، لکن وضعیت استخدامی آنان موقتی و کوتاه‌مدت است. خاصه آنکه به موجب ماده ۴۹ اصلاحی قانون خدمت نظام وظیفه عمومی، ملاک محاسبه حقوق سربازان وظیفه، حقوق کارکنان نیروهای مسلح بر مبنای قانون مدیریت خدمات کشوری ذکر شده است.

۳-۱- ارزیابی انتقادی خدمت سربازی از منظر حقوق شهروندی و حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

چنانچه ذکر شد، امور نظامی و خدمت سربازی در ایران بنیانی قانونمند دارد. نکته آن است قانونمندی این نظام، به عنوان بخشی از رابطه دولت - ملت، اگرچه در بررسی کلی حاکمیت قانون و تحقق حقوق شهروندی بایستی مورد توجه قرار گیرد، اما لزوماً منجر به تحقق حقوق شهروندی و فرهنگ حاکمیت قانون نخواهد شد. در بین حقوق دانان همواره تفکیکی بین وجود قانون (حقوق نظری) و اجرای قانون (حقوق رویه‌ای) وجود دارد. در بحث جستجوی رابطه بین خدمت سربازی، حقوق شهروندی و حاکمیت قانون نیز، ضرورتاً باید افزون بر توجه به مبانی نظری - متن محور قانون، به عرف‌ها و رویه‌های جاری ناظر بر خدمت سربازی توجه کرد و تعمیق یا تضعیف حقوق شهروندی و حاکمیت قانون را بر این بنیان مورد ارزیابی قرار داد.

بر این اساس ارزیابی انتقادی خدمت سربازی با در نظر داشتن سطوح شکلی و ماهوی نظریه حاکمیت قانون در تعمیق یا تضعیف این مفهوم به شرح زیر قابل توجه است:

۳-۱- خدمت سربازی و تقویت حاکمیت قانون: با در

نظرگرفتن مبانی قانونی، اهداف کارکردی و رویه‌های ناظر بر

خدمت سربازی در نظام حقوقی ایران، موارد زیر در تأثیر مثبت و تقویت حاکمیت قانون در ایران را نشان می‌دهد:

۱-۳-۱- اتکا بر مفهوم شهروندی: شهروند عضو کامل و برابر جامعه سیاسی قانونمند است و هویت آن بر طبق حقوق و وظایفی شکل می‌گیرد که در آن جامعه تعریف و تعیین شده است (۱۷). شهروندی به دلیل ماهیت حق محور - مطالبه محور تنها در یک نظام بر پایه حاکمیت قانون پدیدار شده، معنی می‌یابد. نهادینه‌شدن این مفهوم در جامعه خود به تعمیق حاکمیت قانون کمک خواهد کرد. چرایی این امر به دلیل تأثیرات متقابل این دو مفهوم بر یکدیگر است. از یکسو قانون با تعیین حقوق و تکالیف شهروندی، امکان فعالیت در عرصه‌های زیست اجتماعی را برای اتباع یک دولت فراهم می‌آورد، از سوی دیگر حضور شهروند در عرصه‌های زیست اجتماعی و مطالبات او، منجر به وضع قوانین جدید با محتوی حق‌ها و تکلیف‌های جدید می‌گردد.

ظهور مفهوم شهروندی در جامعه ایرانی از پیامدهای انقلاب مشروطه است. قانون اساسی مشروطیت و متمم آن با بیان تساوی حقوق اهالی مملکت ایران در برابر قانون ضمن اصل هشتم متمم قانون اساسی، نظامی چندهزارساله را که بر پایه روابط شبه‌طبقاتی بود، به چالش می‌کشد، منتهی پیاده سازی و نهادینه‌شدن این هنجار قانونی به دلیل نبودن نهادها و ابزارهای مناسب با مشکلات عدیده‌ای رو به رو می‌گردد.

یکی از نهادهایی که با تغییر خود زمینه نهادینه‌سازی مفهوم شهروندی و گذار جامعه ایرانی از جامعه‌ای قبیله‌ای به دولت ملی را فراهم آورد، ارتش نوین ایران بود که به تدریج از سال‌های ۱۳۰۲ به این سو پایه‌ریزی شد. به تعبیر استفانی کرونین مورخ شرق شناس: «خدمت سربازی منظم، عنصری بنیادی در بنای دولت و شکل‌گیری ملت بود که از طریق ایجاد نظام سربازگیری در ارتش و در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ با تصویب لایحه خدمت اجباری نظام وظیفه و اصلاحیه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۷ در مجلس شورای ملی صورت می‌پذیرد» (۱۳).

با این تحول یکی از نهادهای قدرت سنتی که در دست عده محدودی از شاهزادگان، اشراف و خوانین، رؤسای ایلات

بود و معمولاً به نحو توارث به فرزندان آن‌ها منتقل می‌شد، یعنی سالاری قشون، منسوخ شد و اخذ درجات و ترتیبات نظامی تابعی از سابقه، شجاعت و کاردانی گردید. نتیجه این که پایگاه اجتماعی اشخاص تأثیر خود را در تعیین مناصب نظامی تا حدود زیادی از دست داد. این امر پیامد محتوی شهروندمدار قانون اساسی و قوانین برآمده از آن بود.

از سویی دیگر خدمت نظام وظیفه به نحو دیگری نیز بر نهادینه‌سازی هویت شهروندی تأثیرگذار بوده است. پیش از آن تشکیلات نظامی ایران ترکیبی قومی با برتری عنصر آذری/ ترکی داشته است، اما خدمت وظیفه سربازی با تکلیف فراگیر قانونی برای تمامی شهروندان ذکور ایرانی فارغ از قومیت موجب می‌شود، عدم توازن قومی در تشکیلات نظامی ایران پایان پذیرد (۱۳) و با کنار هم قرارگرفتن سربازانی از قومیت‌های مختلف و درک اشتراکات، هویت‌های فردی و قبیله‌ای به نفع هویت بزرگتر ملی رنگ ببازد.

فهم مشترک و وفاق نسبی بر سر اصول و اهداف اساسی و قواعد زندگی پیش‌نیازهای فرهنگی قانون‌گرایی‌اند که تحقق آن‌ها موکول به همسوسازی و ارتقای سطح آموزش رسمی و غیر رسمی، تقویت شیوه‌های تفکر و تحقیق انتقادی، پالایش و پویش اندیشه‌ها و ارزش‌های نوین همسو با روندهای عام توسعه اجتماعی - انسانی است (۱۸). امروزه با میراث‌داری و اتکا بر مفهوم شهروندی پادگان‌ها و مراکز نظامی ایران همچنان برای بسیاری از جوانان ایرانی نخستین محل تلاقی فرهنگ‌ها و قومیت‌ها بوده، با ایجاد دوستی‌ها، خاطرات مشترک و... فرازکننده مفهوم هویت ملی واحد است.

۲-۱-۳- تساوی در برابر قانون: اگرچه شهروندی از حیث نظری متضمن شناسایی مفهوم برابری بین اتباع یک دولت است، لکن در عمل بنا به دلایل مختلف از جمله شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ممکن است در عمل و واقعیت روزمره جامعه تساوی در برابر قانون جامه عمل نپوشد. نتیجه این که محیط‌های نابرابر از لحاظ بهره‌مندی از امکانات، به نحوی به بازتولید نظام سنتی طبقاتی در جامعه‌ای که با حاکمیت قانون، به ظاهر بر تساوی شهروندان پایه‌گذاری شده است، منجر شود، حتی در عمل نیز اگر قوانین به نحو

مکان‌های مشترک و بر عهده‌داشتن تکالیف یکسان و از همه مهم‌تر ایستادن هم‌تراز در صف‌های صبحگاه و شامگاه با سایر سربازان است. این امر تجلی بارز نگاه مساوی قانون به شهروندان فارغ از تمامی تفاوت‌های اجتماعی و اکتسابی آنان است.

۳-۱-۳- آشنایی با الزام قانون و قطعیت حقوقی: شیوع فرهنگ قانون‌گرایی و مصلحت‌سنجی‌های زودگذر سبب می‌شود که گاه خصلت الزام‌آوردن قانون و پیامد آن، یعنی قطعیت حقوقی با تردید مواجه شود. الزام قانون و قطعیت حقوقی موجب پیش‌بینی‌پذیر ساختن اوضاع و احوال برای افراد است. این امر به فرد این امکان را می‌دهد تا با اطلاع از قوانین و مقررات موجود و برخورداری از آگاهی کلی نسبت به عواقب اعمال خویش، بتواند به برنامه‌ریزی برای آینده خود مبادرت کرده و اهداف و ایده‌هایش را تعقیب نماید (۹).

خدمت سربازی چنانچه ذکر شد، تکلیف عام قانونی برای اولاد ذکور ایرانی است و از جمله معدود تکالیف قانونی است که تقریباً تمامی خانواده‌های ایرانی با کم و کیف آن به نحو روشنی آشنا هستند. از آنجا که قانون خدمت وظیفه عمومی به نحو فراگیری اجرا شده و در قانون فعلی راه‌های فرار از این تکلیف به صورت نسبتاً مؤثری مسدود شده است، کلیه شهروندان ذکور و خانواده‌های آنان مفهوم قطعیت حقوقی و الزام قانونی را به خوبی و از طریق آن لمس کرده و بر اساس این واقعیت و تکلیف قانونی برای زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کنند. از این منظر می‌توان خدمت سربازی را از منظر تبیین الزام قانون، در القای فرهنگ حاکمیت قانون و برابر آن در مناسبات اجتماعی مؤثر دانست.

۲-۳- خدمت سربازی و تضعیف حاکمیت قانون:

خدمت سربازی می‌تواند از طریق برخی رویه‌ها منجر به تضعیف حاکمیت قانون در جامعه گردد. این امر بیش از آنکه به ماهیت و محتوی قانون بستگی داشته باشد، ناشی از تلقیات نادرست از قانون یا خروج از حدود مقرر قانونی است که گاه به صورتی رویه‌ای عام ظهور می‌یابد. مواردی که به عقیده این قلم می‌تواند تضعیف‌کننده حاکمیت قانون باشد، به شرح زیر قابل توجه است:

مؤثری بر رفتار مساوی در موقعیت‌های مشابه بین شهروندان تأکید داشته باشند، باز از لحاظ روانی بار احساس نابرابری حقوقی در بخش‌هایی از جامعه خصوصاً از حیث اقتصادی احساس می‌شود. همواره شهروندی که در نقاط حاشیه‌ای و محروم شهرها یا روستاها زندگی می‌کند، نسبت به شهروندانی که در شهرهای بزرگ، خاصه محلات مرفه زندگی می‌کنند، حس محرومیت بیشتری داشته و کم‌تر قانون را به عنوان حافظ منافع خود در مقابل بهره‌مندان جامعه می‌شناسند، در مقابل نظام حقوقی و انواع مناسبات جامعه را بر علیه خود و به نفع صاحبان ثروت و قدرت می‌بینند.

به واسطه دو نهاد این تلقی به چالش کشیده می‌شود. یکی نهاد انتخابات سراسری است که بر پایه تساوی شهروندان در حق رأی، فارغ از پایگاه اجتماعی و ثروت، ارزش رأی شهروندان در آن یکسان است، دیگری خدمت سربازی که تکلیف تمامی اولاد ذکور ایرانی است. حس برآمده از برابری در انتخابات معمولاً مقطعی و زودگذر است.

ماده ۱ این قانون خدمت وظیفه عمومی در بیان تکلیف عام و مساوی اتباع ذکور ایرانی تصریح دارد: «دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم، وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد.» به موجب این قانون هم خدمت سربازی و هم معافیت‌های آن بر وضعیت حقوقی مساوی شهروندان پایه‌گذاری شده‌اند.

افزون بر این تصریح قانونی به تکلیف مساوی، آنچه بیشتر تساوی برابر قانون را می‌نمایاند، دوران خدمت سربازی خصوصاً دروه آموزشی آن است. در این دوره سربازان، برای مدتی قابل توجه، فارغ از تمایزات اکتسابی مانند تحصیلات عالی به رفتار مشابهی مواجه شده و در وضعیت یکسانی قرار می‌گیرند، چنانچه بنا به تجربه شخصی سربازی با تحصیلات دکتری، همانند سربازی با تحصیلات دیپلم و... ناگزیر از آرایش یکسان موی سر، پوشیدن لباس یکسان، خوابیدن و غذا خوردن در

۱-۲-۳- اجرای بخشی قانون: قانون نظام حق و تکلیف متقابل است، به تعبیری غایت نظام حقوقی، یعنی آزادی و عدالت اقتضا دارد که در مقابل تکالیف قانونی که بر عهده فرد گذارده می‌شود، از حقوق متناسب و منصفانه‌ای نیز برخوردار گردد. بر این اساس برخی مکاتب حقوقی از جمله مکتب حقوق طبیعی، عقیده دارند که قواعد با ماهیت صرف تکلیف مدارانه خارج از منظومه قاعده حقوقی بوده و ریشه در نظام‌های غیر قانونمند دارد.

در خصوص قانون خدمت وظیفه عمومی خاصه پس از آخرین اصلاحات توازن نسبی بین حقوق و تکالیف برقرار است، لکن آنچه تهدیدی بر بنیان حاکمیت قانون است اجرای بخشی قانون، آن هم بخش‌های تکلیفی و غفلت از اجرای قسمت‌های متضمن حق است. به عنوان نمونه به موجب ماده ۴۹ اصلاحی قانون مقرر می‌دارد: «حقوق سربازان وظیفه حداقل ۶۰٪ و حداکثر ۹۰٪ حداقل حقوق کارکنان نیروهای مسلح مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری است...» که با توجه به این که اجرای احکام این ماده منوط به تأمین بار مالی مورد نیاز در بودجه‌های سنواتی گردیده است، در نتیجه این حق قانونی تاکنون جنبه اجرا و استقرار به خود ندیده است.

نکته آن است زمانی که قانون تنها از جنبه تکلیف‌مدارانه اجرا گردد و بنا به دلایلی، هرچند موجه جنبه‌های حق‌مدارانه قانون که متضمن منافع خاص شهروندان است، به نحو عام اجرا نگردد، باور عمومی نسبت به این که قانون حافظ منافع شهروندان است تضعیف شده و این امر خود موجب بی‌اعتمادی به قانون، لاجرم تضعیف حاکمیت قانون می‌گردد.

۲-۲-۳- نقض حقوق بنیادین سرباز: به موجب اصل ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و... برخوردارند. همچنین اصل ۲۲ قانون اساسی در تکمیل اصل پیش‌گفته تصریح به مصونیت حیثیت، جان، مال و... اشخاص از تعرض دارد.

این اصول و سایر اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حقوق ملت) پایه‌گذار حقوق بنیادین کلیه شهروندان از جمله سربازان را تشکیل می‌دهند و چنانچه

در تشریح مفهوم حاکمیت قانون اشاره شد، می‌توانند به عنوان تأمین‌کننده وجه ماهوی نظام حاکمیت قانون در ایران در نظر گرفته شوند. نتیجه آنکه تعرض به این حقوق می‌تواند رویه ناظر بر حاکمیت قانون در سطح ماهوی را مخدوش نماید.

در خصوص خدمت نظام وظیفه آنچه مشهود است، قانون در ماهیت متضمن نقض حقوق بنیادین نیست، لکن برخی باورهای رسوخ کرده و نادرست خاصه در دوره آموزشی خدمت نظام وظیفه، از جمله اعتقاد به اختیارات مطلق فرماندهان و سلسله مراتب نظامی نسبت به سربازان که در ذیل آن قرار می‌گیرند، موجب می‌شود که رفتارها و تنبیهات سلیقه‌ای ناقض حقوق و خلاف آیین‌نامه انضباطی (از جمله اعمال تنبیهات بدنی و تنبیهات جمعی برای ارتکاب تخلفات فردی) نسبت به سربازان اعمال گردد. از آنجا که باور نادرست اختیارات مطلق مافوق، در میان سربازان نیز رسوخ دارد، حتی با وجود تأکیدات فرماندهی کل قوا بر لزوم «ریشه‌کنی توهین در نیروهای مسلح» و تمهیدات قانونی نظیر بند «الف» ماده ۱۱ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح که تصریح می‌دارد: «از هر گونه رفتار و گفتار توهین‌آمیز بایستی جلوگیری شود» و وجود نهاد بازرسی در یگان‌های نظامی، به کثرت، رفتارهای ناقض حقوق مورد شکایت و پیگرد حقوقی قرار نمی‌گیرد. نتیجه این که باور نادرست پیش‌گفته تقویت می‌گردد.

۳-۲-۳- بحران مالی و معیشتی: فقر و بحران در تأمین معیشت از عوامل بروز فساد و نقض حاکمیت قانون بر شمرده‌اند (۱۹). سطح پایین حقوق سربازی، خاصه در مورد سربازان متأهل را بایستی از جمله علت‌هایی دانست که پیامد آن، گسترش فساد و مصادیق آن از جمله ارتشا توسط سربازان می‌گردد. در واقع خدمت نظام وظیفه که بایستی در نقش نهادینه‌سازی قانونمداری در سربازان عمل کند، با توجه به اختلال در امر معیشت خانوادگی آنان کارکرد معکوس می‌یابد و عاملی در نقض حاکمیت قانون می‌گردد. این امر در گزارش مدیر طرح و برنامه سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز مورد تصریح قرار گرفته است که از علل عمده ارتکاب جرم در میان سربازان، فقر اقتصادی است (۲۰).

نکته آن است که پس از ارتکاب فساد و اخذ رشوه، قبح آن شکسته شده و احتمال آلودگی به فساد مالی پس از خدمت سربازی نیز فزونی می‌گیرد، می‌تواند در ساختار اجتماع رسوخ کند. بر این اساس است که جامعه‌شناسان، نابرابری در توزیع درآمد و ثروت و احساس محرومیت و تبعیض و عدم تأمین مالی و نارضایتی از وضعیت موجود، را از عمده‌ترین موانع اقتصادی حاکمیت قانون دانسته‌اند (۱۸).

اگرچه بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۱ قانون خدمت وظیفه عمومی، دولت موظف است خانواده‌هایی را که با اعزام مشمول به خدمت سربازی از نظر معیشت زندگی با مشکل مواجه می‌شوند و قادر به تمشیت امور خود نباشند تا پایان خدمت تحت پوشش قرار دهد، لکن عملاً اجرای این قانون که سابقه آن به سال ۱۳۶۶/۶/۳ بازمی‌گردد، نادر و موردی است و در این خصوص اطلاع‌رسانی مناسبی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عمل نمی‌آید.

۳-۲-۴- نظام گماشتگی: به موجب اصل ۱۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آن‌ها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر این‌ها ممنوع است.» اطلاق این اصل بر تمامی موارد و مصادیق استفاده شخصی از سربازان دلالت داشته و از مصادیق تکریم شان سرباز و حقوق قانونی او محسوب می‌شود. متأسفانه در عین تأکید قانون اساسی بنا به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواردی مشاهده می‌شود که از سرباز استفاده شخصی صورت می‌گیرد و سربازان نیز بنا به ترس از تنبیه، یا با انگیزه گرفتن تشویقی یا به دلیل عدم آشنایی با قوانین امورات شخصی مافوق را به انجام می‌رسانند (۲۰).

لازم به ذکر است که نظام گماشتگی تنها ناظر بر به کارگماردن سرباز توسط مافوق در امور فیزیکی و کارهای یدی نیست، بلکه به کارگماردن سربازان متخصص در امور علمی و تحقیقاتی جهت مقاصد شخصی برای ارتقای تحصیلی افسران نیز از مصادیق نظام گماشتگی است. به عنوان مثال سوء استفاده از شرایط سرباز جهت نگارش مقالات علمی پژوهشی، ترجمه کتاب و انجام تألیفات علمی به نام مقام مافوق، بدون

کم‌ترین مداخلیت و تلاش آنان از مصادیق گماشتگی علمی است. این امر حتی در صورتی که نام سرباز که صاحب اصلی اثر محسوب می‌شود، در کنار مافوق و در ذیل نام او قرار گیرد، ماهیت موضوع که استفاده شخصی از سرباز و گماشتن غیر قانونی او است، را مخدوش نمی‌کند. این امر افزون بر آنکه از مصادیق نقض قانون اساسی به شمار می‌رود از مصادیق تقلب و فساد علمی محسوب می‌شود.

۵-۲-۳- تبارگرایی و پارتی‌بازی: چندگانگی رفتاری، تعدد، تنوع و تعارض قواعد و الگوهای عمل بین اقوام مختلف و بین ساختارهای رسمی و غیر رسمی، نظام طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی، غلبه هویت‌های خاص‌گرایانه و احساس تعهد و تکلیف در برابر «ما»های کوچک‌تر فAMILI، قومی، مذهبی و خاص‌گرایی و تبعات آن - چون نزاع‌های جمعی - عوامل عمده نابسامانی اجتماعی و از موانع اجتماعی قانون‌گرایی‌اند (۱۸).

در حالی که یکی از کارکردهای خدمت نظام وظیفه ایجاد وحدت ملی و یکپارچه‌کردن اقوام مختلف کشور در لباس واحد و تحت قوانین و فرماندهی واحد است، اعمال تبعیضات بر پایه روابط (قومی و آشنایی و...) و توصیه یا در اصطلاح عامیانه پارتی‌بازی نسبت به بعضی سربازان، باور به حاکمیت قانون (چه سرباز بهره‌مند از روابط و چه سایر سربازان محروم از پارتی) را تضعیف می‌کند. در بهره‌مندان از رابطه این باور تقویت می‌شود که روابط حتی در با انضباط‌ترین ساختارها، یعنی ساختارهای نظامی و انتظامی می‌تواند جایگزین ضوابط گردد و در محرومان از رابطه با ایجاد حس محرومیت و مشاهده تبعیض ناکارآمدی نظام قانونی را القا می‌کند.

نتیجه‌گیری

دولت مدرن در تلاقی‌گذار امر (Rule) به قانون و تغییر ماهیت قوای نظامی و انتظامی پایه‌گذاری شده است. پس از آن نیز قوای نظامی و انتظامی حافظان نظم و تداعی‌کننده حاکمیت قانون شناخته شده‌اند. در نظام حقوقی ایران، اگرچه تشکیل ارتش نوین بر پایه خدمت سربازی، مؤخر بر استقرار ظاهری حاکمیت قانون (پس از انقلاب مشروطیت) بود، لکن اتکای آن بر مفهوم شهروندی و هویت جمعی - ملی، قانونیت،

- محوریت آموزش حقوق و تکالیف قانونی، خاصه قانون اساسی در دوره خدمت نظام وظیفه به کلیه کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی، اعم از کادر و وظیفه.

- تأکید بر مفهوم شهروندی سرباز و کرامت و حقوق او، هم‌تراز با تأکید بر تکالیف قانونی سرباز.

- جدیت در مقابله با روندهای ناسالم و انحراف از قانون در هر سطح و توسط هر مقام.

سلسله مراتب و انضباط، عناصری بود که خدمت سربازی را جهت ترویج حاکمیت قانون و تثبیت دولت - ملت مدرن، حائز اهمیت می‌کند، اهمیتی که همچنان پایدار و قابل اتکا است.

فراگیری و شمول خدمت وظیفه عمومی نسبت به تمامی اولاد ذکور و انعکاس تأثیر آن به خانواده‌های ایرانی عاملی مؤثر در آموزش و تعمیق مشخصه‌های کلیدی حاکمیت قانون است. هم‌ترازی و تساوی همه جوانان ایرانی فارغ از قومیت، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و... زیر پرچم فرازمند جمهوری اسلامی ایران، عاملی مؤثر در تثبیت و تقویت انگاره تساوی در برابر قانون برای عموم شهروندان است. همچنین قطعیت سربازی به عنوان تکلیفی قانونی که به خاطر الزام قانونی و جدیت در اجرای آن به وجود آمده است، نشانی از قطعیت قانون و حاکمیت ضابطه در جامعه ایرانی و مناسبات دولت - ملت است. اهمیت این تساوی و قطعیت حقوقی بیشتر از این جهت است که درمقابل برخی دیگر از مناسبات اجتماعی که رابطه به جای ضابطه و استثنا به جای قاعده می‌نشیند، خدمت سربازی انگاره استقرار نظام حقوقی - سیاسی ایران بر حاکمیت قانون را تثبیت می‌کند.

از سویی دیگر برخی رویه‌های اجرایی که گاه به صورت عرف‌های معارض قانون درآمده‌اند، نظیر اجرای بخشی و گزینشی قانون، تجاوز به قانون از طریق نقض حقوق بنیادین سرباز، عدم وجود تمهیدات مناسب مالی جهت جلوگیری از پدیداری بحران معیشت در زندگی سرباز و خانواده‌اش و نیز تداوم برخی سنت‌های ناروا نظیر نظام گماشتگی و تبارگرایی برخلاف نص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را باید در زمره تهدیداتی دانست که می‌تواند تأثیرات مثبت و متقابل خدمت سربازی و حاکمیت قانون را تضعیف کرده، نقض حقوق شهروندی را به دنبال داشته باشد.

آنچه به عنوان رهیافت و پیشنهاد این مقاله می‌توان بدان اشاره داشت، عبارت است از:

- جدیت در اجرای بی‌کم و کاست قانون، خاصه مقررات ناظر بر تأمین مالی و معیشتی سرباز و خانواده‌اش.

References

1. Adamiat F. The ideas of progress and rule of law. Tehran: Kharazmi Publication; 2006. p.418-433. [Persian]
2. Giddens A. The Nation-State and Violence. Cambridge: Polity Press; 1985. p.83-122.
3. Mokhber A. The Development of the Modern State. Translated by Held D. Tehran: Agah Publishing House; 2007. p.51-67. [Persian]
4. Mann M. Ruling strategies and citizenship. *Sociology* 1987; 21(3): 339-354.
5. Rasekh M. The oretical foundation for the legislative system reform. Tehran: Majlis Research Centrepublication; 2005. p.165-169[Persian]
6. Vaezi SM. Introduction au droit public. Translated by Zoller E. Tehran: Jungle Publication; 2006. p.219. [Persian]
7. Rasekh M. The Idea of public law. Translated by Loughlin M. Tehran: Nay Publication; 2004. p.179. [Persian]
8. Gorji A. Constitutional Law. Tehran: Jungle Publication; 2009. p.258-269. [Persian]
9. Markaz-Malmiri A. Rule of law: concepts, basis and consequences. Tehran: Majlis Research Centrepublication; 2006. p.63-192. [Persian]
10. Bellamy R. The Rule of Law and the Separation of Powers. London: Routledge; 2017. p.18.
11. Malek Mohammadi HL. Etat de droit. Translated by Chevallier J. Tehran: Dadgostar Publication; 1999. p.57. [Persian]
12. Agrast MD, Botero JC. WJP Rule of Law Index 2012-2013. Washington: The World Justice Project; 2013.
13. Saghebfar M. The Making of modern Iran: State and socity under Riza shah 1921-1941. Translated by Cronin S. Tehran: Jami Publishing; 2003. p.65-75. [persian]
14. Hachemi SM. Droit Constitutionnel Iranien: Tome 2. Tehran: Dadgostar Publication; 2014. p.430. [Persian]
15. Abolhamd A. Iranian administrative law. Tehran: Toos Publication; 2000. p.114. [Persian]
16. Ansari V. General principles of Administrative law. Tehran: Mizan Publication; 2002. p.152. [Persian]
17. Fani K, Moradi N. The encyclopedia of democracy. Translated by Lipset SM. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication; 2004. p.950-954. [Persian]
18. Abdi A. The enigma of the rule of law in Iran. Tehran: Tarh-e no publication; 2002. p.75-109. [Persian]
19. Rabei A. Long live corruption. Tehran: Sazman Chap Va Entesharat; 2004. p.69. [Persian]
20. Ajaweb site. Available at: <http://www.aja.ir/Portal/Home/ShowPage>. Accessed January 3, 2014.